



سرگذشت خانه موزه شماره ۲۹

مهدی اخوان ثالث از سال ۵۷ تا چهارم شهریور ۶۹ یعنی درست زمانی که از زمستان زندگی به بهار ابدیت کوچید، در خانه شماره ۲۹ کوچه خجسته خیابان دکتر فاطمی روزگار گذرانید؛ یعنی ۱۲سال که تقریباً یک دهه پایانی عمر او نیز به شمار می‌رفت و خانه‌اش مامن و محل آمد و شد بزرگان ادب و هنر و فرهنگ

ایران بود؛ خانه‌ای که از سر و رویش شعر و ترانه و موسیقی می‌ریخت و ارزش حفظ و ثبت‌شدن در میراث‌ملی و فرهنگی ایران زمین را داشت. ثبت خانه اما ۱۳ سال بعد در مهرماه ۸۲ با عنوان کتابخانه اخوان ثالث صورت گرفت. سه‌سال بعد یعنی سال ۸۵ خانه توسط شهرداری از خانواده اخوان ثالث خریداری شده

و سال ۹۷ برای مرمت و موزه آرایبی به شرکت توسعه فضای فرهنگی شهرداری تهران سپرده می‌شود. دو سال بعد یعنی ۲۹ مرداد ۹۹ در یک محفل رسمی از دو مجسمه اخوان در خانه رونمایی شده و چهارم شهریور همان سال، همزمان با سی‌امین سال درگذشت شاعر، خانه موزه به روی علاقمندان بازگشایی می‌شود.



عکس: چاووش همدانی- جام جم



آغاز عملیات تخریب در خانه مجاور خانه اخوان



دیوار طبقه دوم خانه موزه اخوان که ترک برداشته است

جام جم از آخرین وضعیت ساخت و ساز در مجاورت خانه موزه اخوان ثالث گزارش می‌دهد:

میراث شاعر در «خوان هشتم»

عملیات تخریب و ساخت و ساز هنوز به طور جدی در خانه دیواربه دیوار اخوان ثالث شروع نشده، دیوار خانه شاعر زمستان سرای خراسان ترک برداشته است

خانه کوچک و دو طبقه اخوان ثالث که از شهریور ۹۹ رسماً به عنوان خانه موزه این شاعر افتتاح و بازگشایی شد، دیوار به دیوار خانه‌ای است درست به همین اندازه و ابعاد و طرح و نقشه. خانه همسایه با خانه اخوان مو نمی‌زند و آنقدر با هم ندار و یکی هستند که سازنده هنگام ساخت آنها (حدود ۵۰ سال پیش)، حتی تیرهای سقف شان را از هم جدا نکرده و تیرآهن‌هایی به طول ۱۲متر روی سقف هر دو خانه کشیده است و این یعنی اگر قرار به تخریب یکی از خانه‌ها باشد، به ناچار سقف خانه دیگر هم پایین خواهد آمد و کوچک‌ترین ضربه‌ای به دیوار مشترک، تن هر دو را خواهد لرزاند.

این‌که مالک خانه همسایه اخوان از این راز خبر دارد یا نه؟ نمی‌دانیم، فقط می‌دانیم که سال ۹۸ مالک خانه درخواست ساخت و دریافت پروانه ساخت به شهرداری می‌دهد و از آنجا که خانه اخوان ثبت ملی بوده و طبق قانون حرایم آثار ملی، دخل و تصرف در آنها باید با هماهنگی میراث باشد، شهرداری منطقه از اداره میراث تهران استعلام می‌گیرد.

خانه اخوان سال ۸۲ ثبت ملی شده بود اما تا سال ۹۸ هنوز برایش حرمی در نظر گرفته نشده بود، بنابراین اداره میراث تهران در پاسخ به استعلام شهرداری، مانع قانونی نمی‌بیند و در پاسخ استعلام فقط قید می‌شود: «از آنجا که خانه مجاور یک میراث

ملی و ارزشمند است، ساخت‌وساز در مجاورت آن

مشکلی ندارد، مشروط به این‌که آسیبی به خانه میراثی وارد نشود.» این پاسخ که در سال ۹۸ ظاهراً قانونی بوده، بدون هیچ‌گونه تحقیق و تفحص درخصوص ساختار دو خانه قرینه و مجاور داده می‌شود، درحالی‌که به راحتی و با یک تحقیق ساده می‌شد فهمید دیوار رابری میانی و تیرهای سقف مشترک است و دست‌زدن به هرکدام از آنها در هریک از دو خانه، تخریب خانه دیگر را در پی خواهد داشت.

البته تا دو سال بعد یعنی سال ۱۴۰۰ اقدامی برای تخریب خانه همسایه نمی‌شود و امسال

ساخت‌وساز قانونی است،

نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم

شهردار منطقه ۶تهران از شروع ساخت‌وساز در خانه مجاور خانه اخوان‌ثالث خبر دارد و به ما می‌گوید: آن خانه ملک شخصی است و مالک توانسته مجوز تخریب و پروانه نوسازی را از شهرداری دریافت کند. با این حال و بنا به حساسیت‌های موجود، درحال حاضر مهندس ناظر ملک استعفا داده و تا تعیین مهندس ناظر جدید از ادامه ساخت‌وساز جلوگیری به‌عمل آمده زیرا یکی از الزامات ایمنی ساخت‌وساز وجود مهندس‌ناظر است. مسعود رنجبریان درخصوص صحت وجود دیوار و تیرآهن‌های مشترک در ضوابط طبقه اول و پشت‌بام هم می‌گوید که تشخیص این امر منوط به تأیید کارشناس دادگستری است. با این حال و با توجه به اینکه موضوع مربوط به یک اثر ملی است و احتمال وجود یک دیوار مشترک می‌رود، مالک متعهدشده در حین عملیات عمرانی، مشکلی برای دیوار مشترک احتمالی ایجاد نشود و ضمن رعایت موارد ایمنی، نهایت احتیاط را به خرج دهد تا آسیبی به بنای ملی وارد نشود. وی تأکید می‌کند از آنجاکه مالک تخطی انجام نداده و طبق مقررات و ضوابط رفتار کرده، امکان جلوگیری از عملیات ساخت‌وساز وجود ندارد. شهردار منطقه درحال عملیات ساخت‌وساز در مجاورت خانه‌موزه اخوان را قانونی و بلااشکال عنوان می‌کند که تا همین جای کار، دیوار خانه اخوان ترک برداشته و این ترک‌ها به‌وضوح قابل مشاهده است.

برای تملک ملک همسایه پای کار بیایید

آن‌طور که شنیده می‌شود شهرداری برای صدور پروانه ساخت در سال ۱۴۰۰ براساس استعلام و نامه نگاری از میراث فرهنگی در سال۱۳۹۸(که خانه موزه اخوان هنوز دارای حریم نبود) اقدام کرده، حال آنکه خانه موزه سال ۹۹ دارای حریم‌شده و صدور مجدد پروانه ساخت‌وساز در اطراف آن غیرقانونی است. شهردار منطقه ۶ دراین باره به جام جم می‌گوید: زمانی که مالک خانه سال ۹۸ درخواست خود را ارائه کرد، شهرداری طبق وظیفه خود تمام مجوزهای مالک را به میراث‌فرهنگی استان تهران فرستاد و آنها هم با نظر مثبت، موافقت خود را اعلام کردند و به همین جهت مالک توانست مجوز را دریافت کند. ضمن اینکه طبق قوانین و مقررات، مالک تا سه سال پس از دریافت پروانه فرصت دارد که ساخت‌وساز کند. در آن زمان هم تأکید نشد که این مجوز صرفاً برای سال۱۳۹۸ است به همین جهت طبق اسناد و مدارک موجود، مشکلی برای ساخت‌وساز وجود ندارد؛ بنابراین ما طبق وظیفه تمام حرایمی را که مدنظر میراث است رعایت کرده‌ایم.

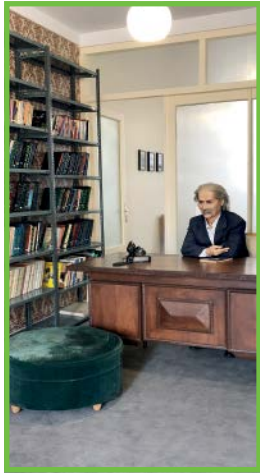
رنجبریان با این حال اضافه می‌کند که شهرداری درحال حاضر بودجه‌ای برای خرید خانه مجاور و الحاق آن به خانه موزه ندارد اما تلاش می‌کنیم با کمک سازمان‌ها و ارگان‌های دیگر و همچنین میراث‌فرهنگی و به نیت حفاظت بهتر از اثر ملی، ملک مذکور را خریداری و تملک کنیم.

مزایای همسایه‌بودن با زمستان

به تملک درآوردن خانه مجاور خانه موزه شماره۲۹ ضرورتی است که رئیس کمیته ملی موزه های ایران نیز به آن اشاره می‌کند. میر سیداحمد محیط طباطبایی یکی از مزایای خانه اخوان‌ثالث را وجود خانه‌ای در مجاورتش با معماری و سبک و سیاق خود اثر می‌داند و می‌گوید: در جلسه‌ای که دعوت شده بودم از شهردار وقت منطقه درخواست کردم با توجه به قیمت معقولی که خانه مجاور دارد، خریداری‌شده و به‌صورت مکمل در جهت فضاها و رویدادهای مهم فرهنگی، نشست‌های ادبی، مجالس شعر و برنامه‌های مهم فرهنگی مرتبط با این شخصیت استفاده شود اما متأسفانه این کار صورت نگرفت.

تشویق‌های شهرداری برخورداری می‌شود و هم منفعت اقتصادی و چرخش مالی متناسبی برایش ایجاد می‌شود.

به عبارتی مالک خانه مجاور هم از نعمت همسایگی با اخوان بهره‌مند می‌شود. رئیس کمیته ملی موزه های ایران درعین حال معتقد به ایجاد یک تشکل و مجموعه واحد در این زمینه است و درباره‌اش اینگونه توضیح می‌دهد: در زمینه‌های مختلف، نهادهای مختلفی مثل خانه‌موسیقی، خانه سینما، خانه‌تئاتر وجود دارند که در مواقع مورد نیاز به یاری اهالی خود می‌شتابند. باید نهاد یا مجموعه‌ای هم برای موارد ادبی‌فرهنگی وجود داشته باشد که مسوولیت ایجاد یک کارزار فرهنگی دراین خصوص و گفت‌وگو با مسوولان مربوط و صیانت از آثار فرهنگی این بخش را بپذیرد.



مگر چند نفر مثل اخوان داریم؟

اتفاقات ناگوار می‌شود.

وی برای حل این‌گونه مسائل معتقد به مشورت با کارشناسانی است که در این زمینه فعالیت می‌کنند و همچنین بهره‌گیری از اندیشمندان سایر کشورها که در این حوزه تجاربی دارند؛ باید از بخشی‌نگری به این مسائل پرهیز و در سطح ملی و کلان به آن نگرینسته شود. به این ترتیب هم بسیاری از مسائل مالی برای نگهداری از موزه‌ها حل می‌شود و هم این‌که گردشگری

ادبی موجب رونق بیشتر ادبیات می‌شود. یکی دیگر از مواردی که محدثی خراسانی به آن اشاره می‌کند این است که برای هم‌افزایی بین نهادهی فرهنگی باید مجموعه‌ای در راس وجود داشته باشد تا علاوه بر آگاهی رساندن، این‌گونه حرکت‌ها را ساماندهی کند.

استاد شفيعی‌كدكنی كجا بید؟

محدثی خراسانی با بیان این‌که مگر در یک قرن اخیر چند نفر مثل اخوان‌ثالث وجود دارند که توانستند به شاعر ملت تبدیل شوند، تأکید می‌کند که جادار بزرگی مثل شفيعی‌كدكنی که سایه‌اش بر سر فرهنگ و شعر ماست در این زمینه ورود و ما را راهنمایی و هدایت کند. امیدوارم زمینه‌های مساعدی فراهم شود که در این مواقع رغبت حضور در میدان دست بدهد و به روشنگری بپردازد. این شاعر خراسانی هم مثل دیگران نبود تشکل در حوزه ادبیات را ضعف در حوزه شعر و ادبیات می‌داند و می‌گوید: باید تشکل و مجموعه سامان‌یافته‌ای در این زمینه تشکیل شود که در مواقع لزوم درمیدان حضور پیدا کند و با آگاهی رساندن این ضعف را جبران کند.

جای خالی یک تشکل ادبی حمایتگر

از نگاه رضا دبیری‌نژاد، رئیس موزه ملک با ایجاد شبکه‌های بومی در تهران می‌توان هویت تهران و هویت ملی را حفظ و ثبت کرد تا از سرمایه‌های اجتماعی مثل خانه موزه اخوان به‌درستی بهره‌برداری کرد. دبیری‌نژاد با بیان اینکه خانه‌های تاریخی مثل خانه اخوان‌ثالث و سیمین و جلال در وهله‌اول با نگاه سطحی و اولیه راه‌اندازی شدند و به همین جهت از ساختار، نیروی متخصص و امکانات و پشتیبانی محروم هستند، می‌گوید: این خانه‌ها باید محل رویدادسازی و فعالیت‌های مختلف باشند. مشکل اینجاست که به این خانه‌ها فقط نگاه کالبدی‌شده و این نگاه تقریباً به ساحت و ساختار فیزیکی بنا محدود می‌شود و نگاهی که امروزه از موزه داریم کمتر در آنها تحقق پیدا می‌کند. ما نیازمند یک نگاه متنوع فرهنگی هستیم که در راس آن امکان قرار بگیرد و به‌وقتش هم رصد کند که چه نیازهایی دارد و بچنگد و جدل کند و امکانات و نیازهایش را فراهم کند و از طرف دیگر حساسیت ها و موضوعاتی که پیش می‌آید را بتواند به لحاظ فرهنگی مدیریت کند. رئیس موزه ملک هم روی تشکیل یک تشکل یا شبکه‌ای از چهره‌های ادبی فرهنگی در تهران تأکید دارد و می‌گوید: جای گردشگری ادبی هم که شاخه مهمی از گردشگری است در جامعه امروز ماکرم‌نگد و خالی است زیرا اگر در شهر صحبت از گردشگری ادبی شود، نمی‌دانیم دقیقاً باید با چه کسی گفت‌وگو کنیم یا نمی‌دانیم که چه کسی باید پاسخگو باشد. برای همین هم شاهدیم که مثلاً هر کدام از این خانه‌ها دست یک نفر است و با آنها سلیقه‌ای برخورد می‌شود.

قطعا يك سر ماجرای خانه موزه اخوان ثالث و اتفاقات رخ داده اخیر به اداره میراث فرهنگی تهران برمی گردد. مبارزی شنیدن توضیحات مسؤولان این اداره چندانر با آنها تماس گرفتیم اما متأسفانه پاسخی دریافت نکردیم.